



## Conceptual Analysis and Applied Aims in “Corrective Education”

### Insights from Verses of Surah Yousuf

Tayyebeh Tavassoli<sup>1</sup> 

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, University of Qom, Qom, Iran. Email: [t.tavassoli@qom.ac.ir](mailto:t.tavassoli@qom.ac.ir)

#### Abstract

This research aims to explore the sextet methods of behavior improvement within corrective education, focusing on 1) prevention, 2) remission and pardon, 3) injunction, 4) reproach, 5) driving away, and 6) punishment, as depicted in some verses of Surah Yousuf (as). The research method involves conceptual analysis to clarify keywords and references in order to understand these behavior improvement methods. The selected text comprises verses from Surah Yousuf (as) that demonstrate the approaches used by the Prophet Jacob (as) in guiding his erring children. Findings reveal that the methods of behavior improvement are basically corrective, starting from gentle guidance harmonizing with the educator's nature and leading to more assertive approaches, in terms of psychological tolerance. The order of verses shows that the Prophet Jacob (as) employed the first four stages to improve his sons' behavior, but did not resort to the subsequent two stages, i.e. driving away and punishment. Moreover, implicit methods, such as explaining mistakes, exhibiting conscious and wise behavior as an educator, allowing the educated the right of election, innovation, function, and field of action, and finally the use of implicit language among family members, also contribute to behavior improvement.

**Keywords:** Behavior Improvement, Moral Education, Corrective Education, Surah Yousuf (AS).

**Cite this article:** Tavassoli, T. (2024). Conceptual Analysis and Applied Aims in “Corrective Education”: Insights from Verses of Surah Yousuf. *Journal of Quranic Researches and Tradition*, 56 (2), 377-396. (in Persian)

**Publisher:** University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.355838.670152>



**Article Type:** Research Paper

**Received:** 29-Apr-2023

**Received in revised form:** 28-Jun-2023

**Accepted:** 24-Jul-2023

**Published online:** 18-Mar-2024

## تحلیل مفهومی و اهداف کاربردی در «تربیت تأدیبی» با توجه به آیاتی از سوره یوسف

طیبه توسلی<sup>۱</sup>

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: [tntavassoli@gom.ac.ir](mailto:tntavassoli@gom.ac.ir)

### چکیده

هدف انجام این پژوهش بررسی شیوه‌های شش‌گانه اصلاح رفتار به ترتیب شامل: ۱. پیشگیری؛ ۲. عفو و صفح؛ ۳. انذار؛ ۴. ملامت؛ ۵. طرد و ۶. عقوبت، در «تربیت تأدیبی» با توجه به آیاتی از سوره یوسف است.

روش تحقیق در شناخت واژگان اصلی، روش تحلیل مفهومی و در استنباط شیوه‌های اصلاح رفتار، روش استنتاج است. متن مورد مطالعه، آیات چندی از سوره یوسف است که شیوه‌های اصلاح رفتار را از جانب یعقوب نبی (ع) نسبت به فرزندان خطاکارش نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که شیوه‌های اصلاح رفتار، اساساً، صورتی تأدیبی دارند و از مراحل ملایم و هماهنگ با طبیعت متربی شروع شده و به مراحل سخت، از لحاظ تحمل روانی برای او منتهی می‌گردند. ترتیب آیات نشان می‌دهد که یعقوب نبی (ع) از چهار مرحله اول، در اصلاح بدرفتاری پسرانش استفاده کرده است، اما دو مرحله بعدی یعنی طرد و عقوبت در آموزه‌های اخلاقی و تربیتی وی کاربردی ندارند. همچنین شیوه‌های ضمنی چون: تفهیم خطا، هشجاری، رفتار حکمت‌آموز از جانب مربی؛ دادن حق انتخاب، ابتکار و میدان عمل به متربی و در نهایت استفاده از زبان تلویحی بین اعضای خانواده، از روش‌های مؤثر در اصلاح رفتار است.

**کلیدواژه‌ها:** اصلاح رفتار، تربیت اخلاقی، تربیت تأدیبی، سوره یوسف.

**استناد:** توسلی، طیبه (۱۴۰۲). تحلیل مفهومی و اهداف کاربردی در «تربیت تأدیبی» با توجه به آیاتی از سوره یوسف. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۶ (۲)، ۳۹۶-۳۷۷.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

© نویسندگان

بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷ DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.355838.670152>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸



## مقدمه

این تحقیق در صدد آن است که شیوه‌های تربیت تأدیبی را با مصداق‌یابی در معدود آیاتی از سوره یوسف مورد شرح و بررسی قرار دهد: «به تحقیق در داستان یوسف (ع) و برادرانش برای درخواست‌کنندگان [معرفت و هدایت] نشانه‌هایی است» (یوسف: ۷).

برای روشن شدن موضوع پژوهش لازم است بیان شود که روش‌های تربیت دو جنبه تشویقی و تأدیبی دارند. در این پژوهش فقط از روش‌های تأدیبی، جهت تنبّه، تغییر نگرش، اصلاح اخلاق و اصلاح رفتار سخن به میان می‌آید که دارای شیوه‌ها یا زیر مجموعه‌های اصلاحی شش‌گانه است و به ترتیب شامل: ۱. پیشگیری؛ ۲. عفو و صفح؛ ۳. انذار؛ ۴. ملامت؛ ۵. طرد و ۶. عقوبت می‌شوند. توضیح مفهومی از این شیوه‌ها و اصطلاحات نزدیک به آن‌ها با مراجعه به کتب معتبر لغت و نظرات مفسران صاحب نام شیعی و اهل تسنن از موضوعات اصلی در این نوشتار است. همچنین کاربرد شیوه‌های اصلاح رفتار دارای ظرایف و دقت نظرانی است که اهمیت موضوع را نشان می‌دهد. این ظرایف کاربردی تحت عنوان «اهداف کاربردی» مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرند. مباحث پایانی بحث، نقش یا حق مری و متری را در فرآیند اصلاح رفتار با توجه به آیات سوره یوسف بیان می‌کند. یعقوب نبی (ع) در اصلاح بدرفتاری پسرانش شیوه‌های موفقی به کار گرفته است و این خود موضوعی قابل تأمل در لایه‌های پنهان این داستان زیبا و حکمت آموز است که کمتر دیده شده است و شاید بتوان گفت تحت الشعاع اهداف اصلی سوره، مانند پاکدامنی و یا عزت یوسف (ع) قرار گرفته است.

در علم روان‌شناسی «تربیت تأدیبی» با عنوان «تغییر رفتار» یا «اصلاح رفتار» شناخته می‌شود و از دیدگاه روان‌شناسان، تغییر رفتار یک فعالیت هدفمند، نظام‌دار و گام به گام است. همچنین، تغییر نگرش و رفتار، موضوعی است که در «روانشناسی شناختی» مد نظر است، آنچه در رفتار یعقوب نبی (ع) در اصلاح رفتار فرزندانش دیده می‌شود کاربرد روش‌های تربیت تأدیبی در موقعیت‌های مقتضی و با استفاده از شیوه‌های گام به گام است.

با توجه به این توضیحات، پرسش‌های اصلی تحقیق شامل این موارد می‌شود:

۱. تحلیل مفهومی ادب، تأدیب و شیوه‌های تأدیبی در کتب لغت و متون معتبر اسلامی چگونه است؟
۲. اهداف کاربردی در مراحل تربیت تأدیبی با توجه به آیات سوره یوسف و تفسیر مفسران صاحب‌نام، به چه صورت بیان شده است؟

۱. داستان حضرت یوسف (ع) در سوره یوسف ذکر شده است و نام او ۲۷ مرتبه در قرآن آمده که ۲۵ بار آن در این سوره است. در تورات باب پیدایش از فصل ۳۷ تا ۵۰ این داستان با تفاوت‌هایی در مقایسه با قرآن بیان شده است (کتاب مقدس، ۲۰۱۴، ص ۵۵-۷۴).

## پیشینه پژوهش

مسلم است که اصلاح رفتار دیگران، همیشه مورد توجه مربیان، معلمان و والدین بوده است و در این باره تحقیقات فراوان صورت گرفته است، در باب روش‌های تربیت در سوره یوسف نیز پژوهش‌هایی انجام شده است، اما در باره تربیت تأدیبی یا تنبیهی با مراجعه به آیات سوره یوسف تحقیقی یافت نشد، لذا نزدیک‌ترین پیشینه‌ها شامل این مواردند:

فرهادیان (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «واکاوی روش‌های تربیتی بر مبنای سوره یوسف (مطالعه کیفی)» از سه روش کنشی، بینشی و گرایشی سخن گفته است. تحقیق نشان داده است که روش اول بیشترین فراوانی را دارد و دو روش بعدی به ترتیب در درجه دوم و سوم هستند. همچنین زیر مجموعه‌های تعافل و همانندسازی، از روش کنشی، محبت و تکریم از روش گرایشی و موعظه و تذکر از روش بینشی سهم بسزایی در اصلاح رفتار متری دارند.

علی‌مرادی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای تربیتی سوره یوسف بر اساس مفهوم روان‌شناختی «سازوکار دفاع روانی»» به بیان راهکارهای اصلاح و مدیریت رفتار ناسازگار پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پس از تبیین شش سازوکار روان‌شناختی شامل: دلیل تراشی، فرافکنی، بی‌ارزش‌سازی، عقلی‌سازی، پیوند جویی و آرایش‌ساختگی، می‌توان از شش راهکار تربیتی شامل: تفسیر رفتار، اطمینان‌بخشی، حمایت خانوادگی، حساسیت‌زدایی، تذکر و داستان‌سازی در اصلاح رفتار متری اقدام نمود. همچنین قرآن کریم برخورد مناسب در مواجهه با ناسازگاری رفتاری را از طریق افزایش دانش و اراده برای مقابله با حقارت درونی و دست‌یابی به عزت نفس مؤثر می‌داند.

باقری (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «تعیین اهداف تغییر رفتار و روان انسان در سخنان امام علی (ع): پژوهشی با روش تحلیل محتوا»، اهداف تغییر را در طبقات شانزده‌گانه از سخنان امام علی (ع)، چون حل تعارض، همدلی، تعاون، مسئولیت‌پذیری و... را با طبقات شش‌گانه در روان‌درمانی مانند: کاهش تنش، سازگاری با محیط، خودشکوفایی، علاقه اجتماعی، تنظیم روابط بین اعضا و منطقی بودن مقایسه کرده است. نتیجه نهایی تحقیق نشان می‌دهد که تأکید امام (ع) بر پیشگیری به جای درمان است و هوشیاری انسان نسبت به وظایف فردی و اصلاح درون، مقوله مهمی است تا از این روزنه مشکلات اجتماعی فرصت ظهور نیابند.

ماهر و زاده (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «پیام‌ها و آموزه‌های تربیتی سوره یوسف» می‌نویسد: یعقوب نبی (ع) در رویارویی با نامالایمات زندگی با تدبیر عمل می‌کند، وی بدون اینکه فرزندانش را متهم کند و یا اشتباهشان را به رخشان بکشد، آنان را از انگیزه‌ها و گرایش‌های منفی درونیشان آگاه می‌کند و فرصت می‌دهد تا خود به انحرافشان پی ببرند و به آن اعتراف کنند (ص ۱۸۵). همچنین در این مقاله صبوری در سختی‌ها، خیرخواهی، احترام بین اعضای خانواده و تکریم والدین از پیام‌های تربیتی سوره یوسف به حساب آمده است.

نور سوید (۱۴۱۹ق) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت عملی خانوادگی در سوره یوسف» نکاتی چند متذکر می‌شود: نخست اینکه خداوند بندگان مؤمنش را با بلاء آزمایش می‌کند تا حقیقت صدقشان را بر همگان آشکار سازد. یعقوب (ع) نیز با صبری ستودنی با این محنت بزرگ مقابله می‌کند و پیوسته فرزندانش را به ایمان و توکل بر خداوند برای غلبه بر سختی‌ها و عدم یأس از رحمت الهی به‌ویژه در یافتن یوسف (ع) سفارش می‌کند. همچنین پسران یعقوب (ع) چون اطاعت امر پدر نمودند، هم بر غذا دست یافتند، هم منزلت و عزت یوسف (ع) را به چشم دیدند و هم پدرشان شفا یافت. نهایت اینکه برادران یوسف (ع) بعد از اعتراف به خطا از پدر طلب عفو و مغفرت نمودند و این مطلوب یعقوب (ع) بود. پس پیام اصلی سوره، ابتلای رسولان الهی به محنت‌های سخت و بیان ثبات قدم آنان همراه با قوت ایمان و تقویض امور به خداوند و پناه جستن به اوست.

البطل (۱۳۸۹ق) در مقاله خود با عنوان «السید رشید رضا و سوره یوسف» به بیان نکاتی چند از قول «رشید رضا» صاحب «تفسیر المنار» پرداخته‌است. مفسر در بیان خود، سوره یوسف را داستانی می‌داند که گرچه ظاهرش محنت، اما باطنش نور است و گرچه آغازش شر و خسران، ولی پایانش خیر و رستگاری است، همان‌گونه که خداوند فرمود: «والعاقبه للمتقين». نویسنده در چند مورد رشید رضا را به سبب قول صائب در تفسیر آیات این سوره به‌ویژه مکر زلیخا می‌ستاید و سخن او را دلیل محکمی در برابر داستان‌سرایی‌ها و تفسیرهای بی‌اساسی می‌داند که در برخی متون آمده‌است.

کلاری و دیگران (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان: «یک مداخله رفتاری جهت پیشامدهای مفید» به اصلاح رفتار سه کودک مقطع ابتدایی (۶ و ۷ و ۸ ساله) پرداختند. روش پژوهش آنان «تحلیل عملکردی<sup>۲</sup>» است. تحلیل عملکردی به معنای دستکاری سنجیده و ذهنی از حوادث محیطی برای پی بردن به علل رفتار نادرست و چگونگی اصلاح آن است. در نظر این پژوهشگران مداخلاتی که بر تحلیل عملکردی متکی هستند، نتایج بهتری از تقویت‌کننده‌های اتفاقی یا تصادفی دارند. مهمترین محور مداخلاتی شامل حذف رفتار نامطلوب، توجه و تمرکز بر رفتار صحیح و نهایت استفاده از پاداش‌ها و تقویت‌کننده‌های عینی بود.

شومن (۱۹۸۰) در مقاله خود با عنوان «حقوق فرزندان، حقوق والدین و پایه‌های اخلاقی در خانواده» معتقد است که ارتباط بین والد و فرزند نوعی آگاهی از یکی شدن و واحد بودن است که بیشتر می‌توان آن را با یک زبان شاعرانه و معنوی توضیح داد، تا با اصطلاح‌شناسی تحلیل‌های اخلاقی. زبان مشترک بین والد و فرزند یک بیان تلویحی<sup>۳</sup> و زبان غیر بیانی است که هر دو طرف آن را می‌فهمند. در نظر وی بیان تلویحی، حاکی از درونی‌ترین<sup>۴</sup> و با عمیق‌ترین ارتباط بین آدمیان است که والاترین جایگاه آن بین اعضای یک خانواده است.

2. Functional analysis.

3. intimate.

4. innermost.

## روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق از دو روش استفاده شده است:

۳. برای شناختن مفاهیم اصلی، شامل: اصلاح، افساد، رفتار و شیوه‌های تربیت تأدیبی، از روش «تحلیل مفهومی».

۴. برای شناخت روش‌های تربیت تأدیبی و هدف‌های کاربردی آن از روش «استنتاج».

روش تحلیل مفهومی: در نظر منطق‌دانان مفهوم، حاصل تصورات ذهنی است (خوانساری، ۹)، صور ذهنی صرفاً پدید آمدن صورت محسوس و یا شکل هندسی اشیا نیست، بلکه شناخت حقیقت و صورت معقول بسیاری از اندیشه‌های بشری نیز هست (اژه‌ای، ۱۷). از دیدگاه ویتگنشتاین این صورت‌های معقول و به‌طور کلی مفاهیم ذهنی در بیان آدمیان ظاهر می‌شوند و مقصود را آشکار می‌سازند، بنابراین می‌توان گفت روش تحلیل مفهومی، پی بردن به مفهوم کلمه در کاربردهای شفاهی و غیر شفاهی است (ویتگنشتاین، ۳۲)، به عبارت دیگر باید معانی واژه‌ها و عبارات را در جایگاه زبانی آن‌ها و در اظهارات زبانی شناخت (استرول، ۱۹۳)، یعنی مفاهیم موجوداتی فراتر از زمان و مکان نیستند، بلکه انتزاعی از کاربردهای گوناگون کلمات اند که بر بیان و ذهن آدمیان ظاهر می‌شوند (گلاک، ۴۲). در این تحقیق برای پی بردن به مقصود اصلی مفاهیم، به توضیح و کاربرد آن‌ها و واژگان نزدیک به آن‌ها در کتب لغت فارسی و عربی، متون روایی و تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت که همگی زبان مکتوب و بیان متخصصان اهل فن است، مراجعه شده است.

استنتاج: روش دوم استنتاج است که نحوه کاربرد روش‌های تربیت تأدیبی را تحت عنوان «اهداف کاربردی» با توجه به معانی و تفاسیر آیات شریفه سوره یوسف نشان می‌دهد. در توضیح روش استنتاج می‌توان گفت: «اساساً، استنتاج بر پایه استدلال منطقی است، بدین منظور که پژوهشگر با دلایل منطقی مرحله به مرحله به پیش می‌رود تا نظر خود را به اثبات برساند» (اودی، ۱۹۹۷). بنابراین در پژوهش‌های نظروزرانه، تلاشی ترکیبی صورت می‌گیرد که طی آن با ترکیب یافته‌های علمی، نتایج تجربه‌های اخلاقی، زیباشناختی و دینی، معنایی برای فعالیت‌های آدمی مشخص گردد که برحسب آن بتوان عمل آدمی را جهت داد (باقری و همکاران، ۱۰۲). در این تحقیق پژوهشگر برای دستیابی به چنین نتایجی در حد توان کوشیده است. اما قبل از ورود به مبحث اصلی، به یافته‌های اولیه پژوهش پرداخته می‌شود که به روش تحلیل مفهومی، مفاهیم اصلی شرح داده می‌شوند.

## ۱. یافته‌های پژوهش

توضیح معنایی مفاهیم ادب و تأدیب، اصلاح، رفتار و شیوه‌های تربیتی از منظر لغت‌دانان، مفسران و علمای تعلیم و تربیت از یافته‌های اولیه در این پژوهش است:

## ۱-۱. مفهوم ادب و تأدیب

**در کتب لغت:** ادب یک واژه عربی است و در لغت‌نامه‌های کهن عربی این‌گونه تعریف شده‌است: «آنچه که به وسیله آن مردم را به سوی نیکی‌ها (ستوده‌ها) دعوت کنند و از زشتی‌ها باز دارند»<sup>۵</sup> (ابن منظور، ۲۰۶/۱). «ادب ریاضتی ستوده‌است که انسان را به فضیلتی از فضائل وارد می‌کند» (زبیدی، ۲۶۹/۱). در لغت‌نامه‌های معتبر فارسی نیز مفهوم ادب تقریباً تابع همین مضامین است: «ملکه‌ای که انسان را از آنچه ناسزا باشد باز می‌دارد و آن مجموعه‌ای از صفات نیک است، اگر ادب در نفس آدمی راسخ نگردد، نمی‌توان آن را ادب نامید» (دهخدا، ۱۳۱۳/۱). از مشتقات متداول ادب، در زبان عربی و فارسی «تأدیب» است. معنی غالب تأدیب، ادب آموختن، فرهیختن، بازخواست کردن کسی به سبب کار بد و گوشمالی دادن است (معین، ۱۰۱۵/۱). بنابراین تأدیب جنبه سلبی ادب‌آموزی را نشان می‌دهد که معنی نهی کردن و باز داشتن را دارد.

**در متون روایی:** معنای غالب برای ادب در متون روایی، اخلاق نیکو و رفتار شایسته آدمی در برخورد‌های اجتماعی و ارتباط با انسان‌هاست: در «ارشاد القلوب» آمده‌است که وقتی این کلام خداوند نازل شد: «عفو کن و به عرف امر نما و از جاهلان در گذر» (الاعراف: ۱۹۹)، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «پروردگار مرا به مکارم اخلاق ادب کرد» (دیلمی، ۱۶۰/۱). تأمل در آیه شریفه نشان می‌دهد که هر سه مضمون عفو کردن، راه عرف رفتن و چشم‌پوشی از جاهلان به ایجاد فضائل اخلاقی، به ویژه در بعد اجتماعی است. امام علی (ع) می‌فرماید: کسی که خود را تعلیم دهد و آن را تأدیب کند، سزاوارتر است به گرامیداشت از کسی که مردم را تعلیم دهد و تأدیب کند (حکمت: ۷۰) و برای ادب کردن خودت کافی است، دوری کردن تو از آنچه برای دیگران ناپسند می‌شمارد (حکمت: ۳۵۷).

امیرالمؤمنین (ع)، ادب را در بعد تربیتی به ویژه تربیت والدین نسبت به فرزند فراوان به کار برده‌اند، از جمله: «هیچ پدری هیچ هدیه‌ای بهتر از حسن ادب به فرزند خود نداده است» (نوری الطبرسی، ۲/۶۲۵). همچنین آن حضرت در فرازهایی از نهج البلاغه تأدیب و تعلیم را در کنار هم ذکر می‌کند، درست مانند اینکه در حال حاضر در زبان فارسی تعلیم و تربیت در کنار هم بیان می‌شود و به صورت یک اصطلاح در آمده‌است: «حق فرزند بر پدر آن است که نامی نیکو بر او نهد و در آراستن ادب او بکوشد و قرآن را بدو تعلیم دهد» (حکمت: ۳۹۱، و ابن ابی الحدید، ۳۶۵/۱۹). در کلامی دیگر از امیرمؤمنان (ع) خطاب به مردم آمده‌است: «حق من بر شما آن است که اندر زتان دهم و حقوق شما را بپردازم و به شما تعلیم دهم تا نادان نمانید و تأدیبتان کنم تا دانا شوید» (مجلسی، ۷۴/۳۴). بنابراین می‌توان گفت تعلیم و تربیت و در کلام امام (ع) تعلیم و تأدیب، هر دو تکمیل‌کننده بهره‌های وجودی آدمی هستند و در بسیاری موارد با هم و در کنار هم ذکر می‌شوند، چون ظرافت معنایی در تفاوت این دو نیز

<sup>۵</sup> الادب: لانه یادب الناس الی المحامد و ینهاهم عن القبايح.

نشانه مکمل بودنشان است: «تأدیب در مورد عادات به کار می‌رود و تعلیم در مورد شریعت» (دهخدا، ۱۳۱۴/۱).

### ۲-۱. اصلاح

اصلاح، کلمه‌ای قرآنی است که در آیات متعددی همراه با معنای متضاد خود یعنی «افساد» به کار رفته‌است (الاعراف: ۵۶ و ۱۵۲؛ البقره: ۱۱ و ۲۲۰؛ الشعراء: ۱۵۱ و ۱۵۲؛ النمل: ۴۸) و در تمامی این آیات افساد در زمین، مقابل اصلاح به حساب آمده‌است. راغب افساد را خروج شیء از اعتدال می‌داند (راغب، ۳۹۳). همچنین در «لسان العرب» آمده‌است: الفساد: نقیض الصلاح و تفساد القوم: تدابروا و قطعوا الارحام (ابن منظور، ۲۶۱/۱۰). فساد در زمین به نص صریح کلام خداوند حاصل اعمال آدمیان در دریا و خشکی (الروم: ۴۱)، خونریزی (البقره: ۳۰)، نسل کشی، قطع درختان (البقره: ۲۰۵) و امور دیگری از این قبیل می‌شود. در بین امم پیشین غلبه بر فسادها و انحراف‌ها و ایجاد صلح با ارسال رسولان از جانب خداوند میسر شد تا با اجرای قسط و عدل جامعه را اصلاح کنند (جوادی آملی، ۹۱/۷).

کلمه اصلاح به سازش و از بین بردن نفرت میان مردمان نیز معنا شده‌است (راغب، ۴۸۹). خداوند حکیم مصلحان را به صفاتی چند در آیات قرآن کریم ستوده‌است، چنانکه می‌فرماید: «کسانی که به کتاب الهی چنگ زنند و نماز برپا دارند، ما اجر مصلحان را تباه نمی‌کنیم» (الاعراف: ۱۷۰)، این توصیف نشان‌دهنده استمرار در ایمان و لوازم آن از جمله دوری از فساد است و به مؤمنان بنی اسرائیل اشاره دارد که بعد از موسی (ع) تورات را رها نکردند، دین خود را حفظ نموده و نماز را برپای داشتند (طبرسی، ۴۸۰/۱۲).

### ۳-۱. رفتار

در دیدگاه روانشناسان، رفتار<sup>۶</sup> مجموعه فعالیت‌های آدمی است که یا در زندگی فردی به انجام می‌رسد و یا در ارتباط با انسان‌های دیگر<sup>۷</sup> (هلیگارد، ۲۴). در نزد برخی فلاسفه نیز رفتار آدمی بیانگر ذهنیات و عملکردهای آشکار او هستند، در نظر آنان ذهن و ذهنیت آدمی را باید از طریق رفتارهای او شناخت. گیلبرت رایل<sup>۸</sup> معتقد بود ما در بررسی فعالیت‌های ذهنی افراد به چگونگی و بروز عملکردشان توجه می‌کنیم، برای ما درون‌نگری و دیدن ذهن افراد میسر نیست (رایل، ۲۶)، بنابراین بسیاری از رفتارهای آدمی هوشمندانه هستند و قابلیت بررسی و توضیح و تفسیر از طریق رفتارهای او را دارند (فلیپس،

<sup>۶</sup> Behavior.

<sup>۷</sup> . نکته قابل توجه اینکه در این بحث، منظور از رفتار، دیدگاه روانشناسان رفتارگرا چون اسکینر و واتسون نیست، چون این روانشناسان رفتار را فقط در مقوله محرک-پاسخ بررسی می‌کردند. این دیدگاه توسط روانشناسان و فیلسوفان بعد از آن‌ها به چالش کشیده شد، از جمله چامسکی معتقد بود مقوله محرک-پاسخ در بررسی رفتار آدمی دیدگاهی ناکافی است (رزی، ۶۹).

<sup>۸</sup> G. Ryle (1900-1976).



۸۳). مسلم است که رفتار واژه‌ای فارسی و اصطلاحی روان‌شناختی است، حال پرسش این است که در قرآن کریم چه کلماتی معادل رفتار هستند؟

در قرآن کریم از فعالیت‌های آدمی با دو نام «عمل» و «فعل» یاد شده است که دقیق‌تر از «رفتار» است، چون رفتار اصطلاحی کلی است و هر عملکردی را شامل می‌شود، اما لغت‌دانان فعل و عمل را به یک معنا در نظر نمی‌گیرند. در فرهنگ لغات قرآنی، تفاوت عمل و فعل در اختیار و اراده آدمی ذکر شده است، بدین معنا که عمل با اراده همراه می‌شود، اما فعل اینگونه نیست (قرشی، ۴۵/۵؛ راغب، ۵۸۷/۱).

در این مقاله اصلاح عملکردهای ارادی و غیرارادی یا به تعبیر لغت‌دانان فعل و عمل هر دو مد نظر است. آدمیان در ارتباط با یکدیگر رفتارهای گوناگونی نشان می‌دهند، ممکن است برخی از آن رفتارها بدون اندیشه قبلی و یا قصد انجام شده باشد، ولی به هر حال «فعل» است و بر دیگران تأثیر دارد، پس اصلاح هر دو یعنی فعل و عمل می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

## ۲. مراحل تربیت تأدیبی

مراحل تربیت تأدیبی در اصل پنج مرحله است که به‌طور مبسوط شرح داده می‌شود، ولی باید گفت که یعقوب نبی (ع) با رفتاری حاکی از حکمت و دانایی درصدد پیشگیری برآمده است و این اصلی مهم در عدم بروز خطا و گناه از جانب خاطی است که مریبان خردمند و هوشیار به آن توجه دارند. در آیه ۵ این سوره آمده است که یوسف (ع) در خواب دید که: «خورشید ماه و یازده ستاره او را سجده می‌کنند»، در بین تفاسیر فریقین این اتفاق نظر وجود دارد که تعبیر خواب روشن است: خورشید و ماه پدر و مادر (یا خاله) یوسف (ع) و یازده ستاره، برادرانش هستند (طبرانی، ۲۰۰۸م؛ الرشید، ۱۹۹۰م؛ طبرسی، ۱۳۶۸ش؛ طباطبایی، ۱۳۶۳ش). پس از آنکه یوسف رؤیای خود را برای پدر بیان نمود، یعقوب او را به رازداری سفارش نمود. شاید بتوان گفت نکته تربیتی قابل تأمل در این آیات پنهان داشتن برتری نسبت به نزدیکان و کسانی است که در مرتبه و شأن یکسان نسبت به فرد برتر قرار دارند، بدان معنا که آشکار شدن بهره‌های استعدادی و وجودی و برتری‌ها تا آنجا که عقل و خرد حکم می‌کند، باید از هم‌ردیفان پنهان بماند، چون بروز حسادت از جانب آنان نسبت به غریبه‌ها بیشتر و برنده‌تر است، دقیقاً همان‌گونه که پذیرش قربانی‌های بی‌بیل-فرزند آدم (ع)- از جانب خداوند، برای برادرش، قایل، قابل پذیرش نبود و گناه عظیم قتل برادر را مرتکب شد (المائده: ۲۷-۳۰). به هر روی خواب یوسف (ع) آشکار شد و برادرانش او را از پدر ربوده و درون چاه افکندند. عملکرد یعقوب (ع) قبل از ربودن یوسف (ع) و بعد از آن دارای نکته‌های تأدیبی و تربیتی فراوانی است که در روش‌مندی منظم همراه با بیان تحلیل مفهومی و اهداف کاربردی توضیح داده می‌شوند:

## ۲-۱. عفو و صفح

**تحلیل مفهومی:** برخی از لغت‌دانان دو کلمه «صفح» و «عفو» را به معنی بخشودن خطا و گناه دانسته‌اند و چه بسا تفاوتی بین این دو در معنا قائل نشده‌اند<sup>۹</sup> (بعلبکی، ۷۶۹). اما شاید بتوان با دقت معنایی و کاربرد آن در آیات سوره یوسف به تفاوت میان این دو، دست یافت.

صفح به معنای ترک کردن و منصرف شدن است و بلیغ‌تر از عفو است (جوهری، ۳۸۲/۱، فراهیدی ۱۲۲/۳). عفو عبور کردن<sup>۱۰</sup> از گناه یا بخشیدن گناه است (راغب، ۴۴۱) و اگر عفو از جانب خداوند نسبت به بنده خود باشد به معنی ازاله و محو گناه است (قرشی، ۱۹/۵). صفح به معنی جانب و روی چیز است. صَفَحَ صَفْحاً یعنی صفحه صورت خویش را برگرداند (قرشی، ۱۳۱). بنابراین معادل فارسی «صفح» چشم‌پوشی، ندیدن و روی‌گرداندن است. راغب در المفردات می‌گوید: «در صفح ملامت نیست و آن ابلغ از عفو است». خداوند حکیم به پیامبر (ص) می‌فرماید: «با درگذشتنی زیبا در گذر<sup>۱۱</sup>» (الحجر: ۸۵) و: «از آنان درگذر و بر آنان سلام گو<sup>۱۲</sup>» (الزخرف: ۸۹)، در آیه اول به نبی (ص) امر می‌کند که به رفتار نادرست کافران میندیش و از آنان درگذر و با آن‌ها عتاب، جدال و مناقشه مکن (طباطبایی، ۲۴/۲۴). صفح جمیل، غمض عین (چشم‌پوشی) و در صدد انتقام و تلافی نبودن است (طیب، ۱۳۸۶ ش).

**هدف کاربردی:** در اعمال روش تأدیبی عفو و صفح اصول تربیتی ظریفی وجود دارد که بخشنده، در مقام هادی و مربی باید به آن دقت داشته باشد. این اصول را می‌توان اینگونه بیان کرد:

۱. خطاکار برای اولین بار مرتکب خطا شده باشد.
۲. خاطی دوست داشته باشد که مافوق آن خطا را نبیند یا نادیده انگارد.
۳. اطمینان از اینکه نادیده گرفتن خطا، وضع را اصلاح و بهتر می‌کند.

در سوره یوسف زمانی که پسران یعقوب (ع) به نزد پدر آمدند و برای اجرای نقشه خود، از پدر خواستند که یوسف را با آنان به صحرا بفرستد (یوسف: ۱۲)، فرمود: «اینکه او را بر بريد سخت مرا اندوهگین می‌کند و می‌ترسم از او غافل شوید و گرگ او را بخورد<sup>۱۳</sup>» (یوسف: ۱۳). آن حضرت در ضرر زدن به یوسف آنان را مستقیماً متهم نساخت، رعایت تلافی نسبت به ایشان کرد و لجاجت‌شان هم تهییج نفرمود (طباطبایی، ۱۵۷/۲۱)، بلکه فرمود شما غافل می‌شوید و ممکن است گرگ او را بخورد. این نحوه بیان در این آیه شریفه و پس از آن، مخصوصاً غفلت برادران و خورده شدن یوسف توسط

<sup>۹</sup> . در آیات شریفه قرآن کریم عفو و صفح در کنار هم ذکر شده‌اند و معانی نزدیک به هم دارند (طباطبایی، ۲۳/۲۴). در این مقاله نیز هر دو به عنوان یک شیوه مد نظر قرار می‌گیرند. البته در تحلیل مفهومی هر دو کلمه، به ظرافت‌های معنایی آن‌ها اشاره شده است.

<sup>۱۰</sup> . تجافی.

<sup>۱۱</sup> . فاصح الصفح الجمیل (الحجر: ۸۵).

<sup>۱۲</sup> . فاصح عنهم و قل سلام (الزخرف: ۸۹).

<sup>۱۳</sup> . در تفسیر القرآن العظیم آمده است که یعقوب قبلاً در خواب دیده بود که گرگ بر یوسف (ع) حمله می‌کند (الطبرانی، ۱۳۵۴ ق).

گرگ، دال بر چشم‌پوشی یعقوب (ع) است، قطعاً او به این نتیجه دست یافته بود که ملاطفت وضع را بهتر می‌کند و از رفتار خطرناک‌تری پیشگیری می‌نماید. در تفسیر نمونه این نحوه بیان یعقوب (ع) نشانه صفای دل و باطن او به حساب آمده است (مکارم شیرازی، ۳۳۹/۷) و در تفسیر «المنار» این بیان از باب احتیاط، چشم‌پوشی و پیشگیری معرفی شده است (الرشید، ۱۹۹۰م). البته در گفتگوی‌های بعدی یعقوب (ع) با پسرانش، اعراض و چشم‌پوشی با این درجه از ملایمت دیده نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت در این آیات شریفه، عفو و صفح به صورتی به کار می‌رود که گویی نیات شیطانی خطاکار، پنهان بماند و وضع را بدتر از آنچه که هست، نکند.

## ۲-۲. انذار

**تحلیل مفهومی:** انذار به معنی آگاهی دادن، برحذر داشتن و ترساندن است. *أَنْذَرَ: حَذَّرَ، نَبَّهَ.* برحذر داشت، آگاه کرد (البعلبکی، ۱۸۷). *أَنْذَرَهُ: أَعْلَمَهُ وَ حَذَّرَهُ وَ حَوَّفَهُ فِي ابْلَاغِهِ (فیروز آبادی، ۴۸۱/۱).* *الْإِنْذَارُ إِخْبَارٌ فِيهِ تَخْوِيفٌ كَمَا إِنَّ التَّبَشِيرَ إِخْبَارٌ فِيهِ سُورٌ (راغب، ۶۳۰).*

**هدف کاربردی:** مهمترین هدف تأدیبی و تربیتی در انذار، آگاه کردن یا متنبه کردن است و این حق متربی است که از جانب مربی بر رویه غلط خود آگاه شود، تا بتواند خود را اصلاح کند. اگر مربی در انذار، تحکم بی‌دلیل کند و یا تلویحاً تذکر دهد و یا دلیل را پنهان دارد حق متربی را رعایت ننموده است. زمانی که برادران یوسف (ع)، او را در نهانخانه چاه گذاشتند و با توجیهی دروغین نزد پدر ظاهر شدند، یعقوب (ع) فرمود: «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً...، اینگونه نیست، بلکه نفس شما امری را بر شما تسویل کرده است...» (یوسف: ۱۸). «تسویل» به معنای وسوسه کردن است: «التسویل تزیین النفس لما تحرص علیه و تصویر القبیح منه بصورة الحسن» (راغب، ۳۲۹). یعقوب (ع) به صراحت فرمود نفس شما در این موضوع شما را به وسوسه انداخته و این مستند به مکر و خدعه‌ای است که به کار برده‌اید (طباطبایی، ۱۶۶/۲۱). در تفاسیر آمده است که برادران یوسف (ع) پیراهنی را که به یعقوب نشان دادند، فقط خون آلود بود، اما پاره نبود و یعقوب گفت: نفستان شما را فریفت: «چقدر گرگ بر یوسف (ع) غضب داشت که او را خورد و چقدر بر پیراهنش مهربان بود که آن را پاره نکرد!» (فیض کاشانی، ۱۰/۳، ۱۰/۳). یعقوب (ع) با این بیان فرزندانش را با شاهدی عینی و متقن، دال بر دروغ‌گویی، آگاه کرد و پس از آن با ترساندن از خطرات نفس انذار داد. در بسیاری از سوءتفاهم‌ها و حتی محاکم قضایی مدارک عینی، مادی و ملموس، شواهدی محکم‌اند که اختلاف را فیصله می‌دهند. همان‌گونه که یک‌بار دیگر پیراهن پاره یوسف (ع) فیصله‌بخش محکمه زلیخا، عزیز مصر و یوسف (ع) بود. پس یعقوب نبی (ع) با دلیل محکم حق فرزندانش را در آگاهی‌بخشی نسبت خطایشان، به وجه احسن رعایت نمود.

## ۲-۳. ملامت

**تحلیل مفهومی:** معادل فارسی «لوم» سرزنش یا نکوهش و مترادف عربی آن عدل است، اللوم: عدل الانسان بنسبته الی ما فیہ لوم: لوم نکوهش انسان است به نسبت دادنش به آنچه که در آن سرزنش است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۵۱). بدگویی از کسی یا چیزی (فراهیدی، ۹۹/۲)، سرزنش کردن یا ملامت کردن سومین مرحله، بعد از عفو و انذار، در تربیت تأدیبی است که در آن نوعی عتاب از طرف مربی یا هادی نسبت به متربی دیده می‌شود. در آموزه‌های اسلامی، برای ملامت کردن، حد اعلام شده است، چون افراط در آن ما را به هدف نمی‌رساند و به ضد خود تبدیل می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: «افراط در ملامت، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌کند» (آمدی، ۴۷۹/۱؛ مطهری، ۱۶۰/۱۶).

**هدف کاربردی:** بر اساس ترتیب آیات در سوره یوسف (ع)، بعد از عفو و انذار، از شیوه ملامت استفاده شده است و آن زمانی است که فرزندان یعقوب به دستور یوسف (ع) پیش پدر آمدند و از وی خواهش کردند که بنیامین برادر مادری یوسف و کوچک‌ترین برادرشان را با آنان همراه کند تا برای بار دوم بتوانند به مصر سفر کرده و گندم خریداری کنند. در اینجا فرزندان یعقوب به پدر گفتند: «ای پدر پیمانه از ما منع شد، برادرمان را با ما بفرست تا پیمانه برگیریم و ما نگیهان او خواهیم بود» (یوسف: ۶۳). شبیه زمانی که به پدر گفتند: «فردا او را (یوسف) با ما بفرست تا بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگیهان او خواهیم بود». پاسخ یعقوب (ع) چنین بود: «آیا همان‌گونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم، بر او امین سازم؟ پس خدا بهترین نگیهان است و اوست مهربان‌ترین مهربانان» (یوسف: ۶۴). این پاسخ یعقوب (ع) مرحله بالاتر و شدیدتری از تأدیب را نشان می‌دهد که بیانگر ملامت یا سرزنش فرزندان به سبب رفتاری است که سال‌ها قبل انجام داده بودند و برخلاف تصورشان از یادها فراموش نشده بود.

علاوه بر این بیان، در ادامه آیه نیز که خداوند را بهترین حافظ معرفی می‌کند، می‌توان نکوهش دیگری یافت، البته لحن کلام در اینجا ملایم‌تر است، گویی یعقوب (ع) این‌گونه القا می‌کند: «وقتی اطمینان به شما بیهوده است و خاصیتی ندارد، پس بهترین اطمینان و اتکال، تنها به خدای سبحان و حفظ اوست» (طباطبایی، ۱۳۶۳ق، ۵۶/۲۲؛ الثعالبی، حفظ الله خیر من حفظکم، ۱۴۱۸ق؛ الطبرسی، فالله خیر من حفظکم الذی نسبتومه فیہ، ۱۳۶۸ش). پس بر اساس نظر مفسرین در اینجا بر حفظ خداوندی تأکید شده و برتر به حساب آمده است. باز اگر به ادامه کلام و گفت‌وگوی یعقوب (ع) و پسرانش دقت شود، تأکید بیشتری در این باره دیده می‌شود و آن «ارحم الراحمین» نامیدن خداوند است و معنایش چنین می‌شود: «چه بسا غیر از خداوند در امری مورد اطمینان قرار بگیرد و یا در امانتی امین پنداشته شود ولی او کمترین رحمی به صاحب پندار نکند و امانتش را ضایع سازد، بر خلاف خدای سبحان که بر عاجز و ضعیف که امر خود را به او سپرده است و بر او توکل نموده است، رحم می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۶۳ش، ۵۶/۲۲).

دقت بیشتر در کلام وحی و ادامه آیات، مرتبه سومی از ملامت نیز در کلام یعقوب (ع) نشان می‌دهد و آن وثیقه‌ای است که برای راهی کردن بنیامین با برادرانش طلب می‌کند: «گفت هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا با من با نام خدا پیمان استواری ببندید که حتماً او را نزد من باز آورید...» (یوسف: ۶۶). این آیه شدت عدم اعتماد یعقوب (ع) را نسبت به فرزندان نشان می‌دهد، که از آنان درخواست می‌کند، با نام خداوند و در محضر او وثیقه‌ای مانند سوگند ادا کنند (ای عهداً مؤکداً بذكرالله: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق) که در امانت خیانت نمی‌کنند، گناه پیشین مرتکب نمی‌شوند، حافظ بنیامین هستند و او را به پدر باز می‌گردانند. مسلم است که در فحوای این کلام سه درجه از ملامت نهفته است.

## ۲-۴. طرد

**تحلیل مفهومی:** مرتبه چهارم در اصلاح رفتار، طرد شدن متربی از جانب مربی است. طرد به معنی راندن و محروم کردن است (جوهری، ۵۰۲/۲) یا راندن با استخفاف و تحقیر (راغب، ۵۱۷؛ طبرسی، ۲۳۶/۵-۶). طرد کردن مرتبه‌ای سخت است و در مقام هدایت و تربیت انسان‌ها به ندرت استفاده می‌شود. آیات شریفه قرآن نشان می‌دهد که همه انبیای الهی در هدایت امت‌شان صبوری و ملامت زایدالوصف از خود نشان داده‌اند و زمانی از امت خود کناره گرفته و با نفرینشان کرده‌اند که از هدایت آنان کاملاً ناامید شده‌اند. مانند موسی (ع) که فرعون و قوم او را ارشاد بسیار نمود و آیات زیادی را برای‌شان آورد ولی آنان ایمان نیاوردند (الاعراف: ۱۳۳؛ کتاب مقدس (تورات)، باب خروج، آیات ۸-۱۱).

**هدف کاربردی:** در سوره یوسف (ع)، هیچ آیه‌ای دیده نمی‌شود که یعقوب نبی (ع) فرزندان خطاکارش را از خود رانده باشد. در آیه ۸۴، عبارت «وتولی عنهم / از آنان روی گرداند»، اگر چه می‌تواند نشان طرد باشد، ولی نظر مفسران بر طرد نیست. علامه طباطبایی معتقد است که یعقوب (ع) بعد از آنکه ماجرای بازداشت بنیامین و ماندن فرزند ارشدش در مصر را شنید، معترض فرزندان نشد (یعنی آنان را طرد نکرد) و طبق آیه شریفه از فرزندان خواست تا آشکار شدن حقیقت به پیش روند (طباطبایی، ۸۳/۲۲). در احادیث معصومین (ع) نیز آمده است که قهر کردن و محرومیت از محبت هم نوعی طرد است، ولی اعمال شدت در این روبه، نتیجه عکس خواهد داشت (مجلسی، ۹۹/۱۰۱).

## ۲-۵. عقوبت

**تحلیل مفهومی:** عقوبت در زبان عربی از ماده «عق ب» به معنای «ادامه و پشت» است و به جزای اعمال بد اطلاق می‌گردد (فراهیدی، ۱۸۰/۱). در واژه‌شناسی قرآن کریم، عقوبت، عقاب و معاقبه به معنی عذاب به کار رفته است: «و اعلموا ان الله شديد العقاب» (البقره: ۱۴۹) (قرشی، ۲۳/۵).

**هدف کاربردی:** در سوره یوسف هیچ آیه‌ای دال بر عقوبت برادران یوسف (ع) از جانب یعقوب (ع) دیده نمی‌شود، اما نکته قابل تأمل، عقوبت مکرر خداوندی و ذلتی است که در برابر یوسف (ع)

متحمل شدند: دچار قحطی و خشکسالی شدند و محتاج خرید آذوقه از مصر و ورود بر یوسف (ع) گردیدند (یوسف: ۵۸). برای خرید در بار دوم مجبور شدند، برادرشان بنیامین را با خود ببرند و در غیر این صورت اجازه خرید آذوقه نداشتند (یوسف: ۶۰). برای بار سوم که نزد یوسف (ع) آمدند، نهایت عجز خود را نشان دادند: نخست او را عزیز خطاب کردند، اقرار کردند که به خود و خانواده‌شان آسیب رسیده‌است، گفتند برای خرید آذوقه سرمایه‌ناچیزی با خود دارند، خواهش کردند پیمان به آنان کامل داده شود، از یوسف (ع) خواستند بر آنان تصدق کند و تأکید کردند خداوند صدقه‌دهندگان را دوست دارد (یوسف: ۸۸). در تفسیر «تبیان» کلمه «عزیز» در لغت به معنی کسی است که دارای قدرت وسیع است (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق) و در تفسیر ثعالبی نیز آمده‌است که بضاعه مزجاء (سرمایه اندک)، بخشی از مال یا مبلغی درهم است با ارزش ناچیز که عرضه آن محتاج عذرخواهی است (ثعالبی، ۱۸۷۵ق). برادران یوسف پس از آشکار شدن حقیقت، در مقابل یوسف (ع) سوگند خوردند که خداوند او را بر ایشان برتری داده‌است و خودشان خطاکارند (یوسف: ۹۱) و نهایت در برابر یوسف (ع) سجده<sup>۱۴</sup> (کرنش) کردند و تعبیر خواب یوسف که خشم و حسادتشان را در آغاز برانگیخته بود، عیناً به چشم دیدند (یوسف: ۱۰۰).

### نتایج و پیشنهادها

بنابر آنچه گذشت، مراحل تربیت تأدیبی (تحلیل مفهومی و اهداف کاربردی) را می‌توان در جدول زیر نشان داد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱۴</sup> . از ابوالحسن امام هادی (ع) سؤال شد که آیا سجده بر غیر خداوند جایز است؟ آن حضرت فرمود: این عمل از یعقوب (ع) و فرزندانش طاعتی بود برای خداوند و تحیتی برای یوسف (ع). همچنان که سجده ملائکه بر آدم طاعتی بود برای خداوند و تحیتی برای آدم (ع). و در برخی تفاسیر آمده است که یوسف (ع) هم با آنان خدا را سجده کرد (المیزان، ۱۱۴/۲۲).

## جدول ۱- مراحل تربیت تأدیبی

مراحل	تحلیل مفاهیم	اهداف کاربردی
عفو و صفح	عفو: عبور کردن از گناه / بخشودن گناه / محو گناه از جانب خداوند نسبت به بنده. صفح: چشم‌پوشی / نادیده گرفتن / برتر از عفو / رساتر از عفو.	نقش متربی: تمایل برای نادیده انگاشتن خطا / ارتکاب خطا برای اولین بار یا موارد اولیه. نقش مربی: رعایت احتیاط و تلافی / عدم تهییج لجاجت / اطمینان از بهبود موقعیت و اصلاح رفتار / پیشگیری از وضعیتی خطرناک‌تر / عدم اتهام مستقیم به خطاکار.
انذار	منتبه یا آگاه کردن / برحذر داشتن / ترساندن / ضد بشارت	نقش متربی: برخوردار بودن از حق آگاهی نسبت به خطا / پذیرش انذار جهت هدایت. نقش مربی: صراحت در بیان انذار / عدم تحکم بی دلیل / تذکر آشکار در توضیح خطا و آثار آن / اجتناب از تلویح و مماشات / ارائه شواهد عینی، متقن و منطقی.
ملامت	سرزنش کردن / نکوهش کردن / توبیخ زبانی به سبب رفتار نادرست.	نقش متربی: حق آگاهی از علت ملامت / حق استدلال جهت فهم خطا و آثار آن / اقناع پس از دلیل و پذیرش. نقش مربی: تفهیم ملامت به سبب خطا نه شخصیت فرد / نگهداری حد ملامت / اجتناب از تهییج احساسات و لجاجت / اجتناب از ملامت در منظر عام / اجتناب از عصیبت.
طرد	راندن / محروم کردن / دور کردن / بی‌اعتنایی کردن	نقش یا حق متربی: عدم کاربرد در محیط خانه / عدم کاربرد در رابطه بین والدین و فرزندان / عدم کاربرد در محیط آموزشی / عدم کاربرد برای کودکان و نوجوانان / عدم کاربرد در مقام ارشاد و هدایت. نقش مربی: برخی صاحب‌نظران کاربرد ملایم و کوتاه آن را بعد از اطمینان به اصلاح رفتار، جایز دانسته‌اند.
عقوبت	جریمه کردن / کیفر دادن / مجازات کردن / عذاب کردن.	نقش یا حق متربی: عدم کاربرد در مقام ارشاد و هدایت / عدم کاربرد در محیط خانه و محیط آموزشی / عدم کاربرد برای کودکان و نوجوانان / عدم کاربرد در تعلیم یا آموزش. نقش مربی: عقوبت می‌تواند یک طیف داشته باشد، صورت‌های ملایم آن مانند جریمه کردن به صلاح‌دید مربی، چنانچه وضع را بهتر کند، قابل اعمال است، ولی صورت‌های سخت آن به عهده حاکم شرع و محاکم قضایی است.

جدول شماره ۱ نتیجه کلی تحقیق و پیشنهادها را نشان می‌دهد، ستون سوم تحت عنوان «اهداف کاربردی»، به ویژه «نقش مربی»، دقیقاً دربردارنده پیشنهادهای اصلی حاصل از پژوهش است. در توضیح بیشتر نتایج و پیشنهادها می‌توان گفت که فرآیند تربیت تأدیبی یا اصلاح رفتار مندرج در جدول ۱ در درجه سختی شیوه‌ها و کاربرد آن دارای دو طیف با جهت معکوس است. درجه سختی شیوه‌ها از بالا به پایین است و این بدان معناست که تحمل روانی شیوه‌ها برای اصلاح رفتار مرتب‌تری یا فرد خطا کار، هر آنچه به مراحل پایانی نزدیک‌تر می‌شود دشوارتر است، بنابراین مراحل پایانی حداقل کاربرد را دارند. اما کاربرد شیوه‌ها برعکس است، یعنی هر آنچه به طرف بالا حرکت کنیم، کاربرد شیوه‌ها بیشتر می‌شود. بنابراین شیوه‌های، عفو و صفح و انذار دارای بیشترین کاربرد در اصلاح رفتار مرتب‌تری هستند. آیات سوره یوسف نشان می‌دهد که یعقوب نبی (ع) مراحل اولیه را به ترتیب برای هدایت و اصلاح رفتار فرزندان به کار برده است. اقتضای کاربرد، میزان آن و تخطی نکردن از شیوه اصلاحی برای بهبود وضع، در آیات مربوط و مطالب توضیحی و تفسیری که بیان شد، کاملاً مشهود است. همچنین آیات سوره نشان می‌دهد، دو مرحله آخر که شامل طرد و عقوبت می‌شود کمترین کاربرد را دارند و به علت حساسیت امر تربیت و هدایت ممکن است، هیچ مورد استفاده‌ای نداشته باشند. چنان‌که خداوند حکیم خطاب به نبی اسلام (ص) فرمود: «اگر سخت‌گیر و نامهربان باشی از دور تو پراکنده می‌شوند...» (آل عمران: ۱۵۹). شاید بتوان گفت که مرتبه طرد و عقوبت برای خطاکاران یا سرکشانی است که سال‌های رشد و تربیت‌پذیری خود را سپری کرده‌اند، اما همچنان به رغم وجود مرتب‌تری و معلم و گذراندن مراحل اولیه تنبیهی باز بر رویه نادرست خویش اصرار داشته و دست از خطا برنمی‌دارند. اگر چه دو مرحله آخر هم می‌تواند به صورت طیف از مراحل ملایم تا مراحل بسیار سخت به پیش رود، ولی بر اساس آموزه‌های اسلامی، صورت‌های سخت آن به عهده حاکم شرع است و به کسانی تعلق می‌گیرد که ادامه راهشان سبب آسیب بیشتر به خودشان و مردم جامعه می‌شود.

مقایسه یافته‌های تحقیق با پیشینه تحقیق نیز بیانگر نکات قابل توجهی است. اصل آگاهی بخشی، تفهیم خطا و تذکر از اصول مهمی است که در پژوهش علیمرادی (۱۳۹۹) به آن اشاره شده است و این با مرحله انذار در این پژوهش بسیار همخوانی دارد. همچنین اصل تدریج و ثبات قدم (بطل، ۱۳۸۹ق) در اصلاح رفتار، صبوری و پی‌گیری مرتب در مسئولیت خویش را نشان می‌دهد که با آنچه یعقوب نبی (ع) در سالیان طولانی با فرزندان خود انجام داد سازگار است. همچنین در تحقیق امینی به روش‌هایی چون استدلال، تعقل و حکمت‌آموزی اشاره شده است که با یافته‌های این تحقیق به صورت تلویحی (و نه آشکار) همخوانی دارد؛ آیات سوره یوسف بیانگر آن است که یعقوب (ع) از این روش‌ها استفاده کرده است، چون رفتار وی با فرزندانش حامل بهترین پیام‌های تعقل و حکمت‌آموزی است.

در تحقیق باقری (۱۳۹۲) به روش پیشگیری اشاره شده است و از دیدگاه امام علی (ع) از بهترین رویه‌ها در عدم وقوع خطا به حساب آمده است و این دستاورد با اولین مرحله در این تحقیق که شاید



مهمترین مرحله هم باشد همخوانی دارد. آگاهی مرئی اصل بسیار مهمی در پیشگیری از رفتار نادرست است و گویی هشجاری بالای او جبران ناآگاهی مترئی در روی آوردن به خطاست؛ همان‌گونه که در تحقیق کلاری (۲۰۱۷) اشاره شده است، عموماً خطاکار به ویژه در سال‌های کودکی و نوجوانی از رفتار نادرست خود اطلاع ندارد و این نشانه نوعی صفای باطن است که تعمد و غرضی در کار نیست. این حقیقت، مسئولیت مرئی را خطرتر و مهمتر جلوه می‌دهد. البته برادران یوسف با تعمد و اشعار به پدر و برادر خود ستم کردند، ولی ساده‌اندیشی آنان این بود که تصور می‌کردند این رفتارشان فراموش می‌شود و پدر یکسره به آنان توجه می‌کند، چنان‌که گفتند: «یوسف را بکشید، یا به سرزمینی دورش بیندازید، تا علاقه پدرتان خاص شما شود و پس از آن مردمی شایسته شوید» (یوسف: ۹).

از دستاوردهای دیگر این تحقیق چشم‌پوشی از رفتار نادرست و بی‌اعتنایی به آن از جانب مرئی و پاداش دادن به رفتارهای صحیح است. یعقوب (ع) در آغاز از رفتار ناجای فرزندانش چشم‌پوشی کرد و نیت شیطانی آنان را یادآور نشد و سال‌های طولانی بجز موارد اندکی که جنبه انذار داشت، از بدکرداری پسرانش چیزی نگفت، برعکس زمانی که فرزندانش راهی مصر شدند، پیوسته آنان را بر جست‌وجوی یوسف (ع) ترغیب نمود، که پاداشی بر رفتارهای درست است. شاید بتوان گفت تشویق و تنبیه از قدیمی‌ترین شیوه‌های اصلاح رفتار و رایج‌ترین آن‌هاست و در اصلاح رفتار کودکان پاداش‌های عینی بسیار کارساز است، اما در سنین نوجوانی و جوانی ایجاد انگیزه و دادن حق انتخاب، پاداش‌های معنوی و غیرعینی هستند که می‌تواند اصلاح رفتار را به دنبال داشته باشد. آیات سوره نشان می‌دهد که یعقوب (ع) برای غلبه بر خشک‌سالی، مسافرت به مصر و سپردن بنیامین به پسرانش، از تشویق و ایجاد انگیزه، اعطای حق انتخاب و ابتکار استفاده نموده و با هدایت خویش در تیشیر و انذار، میدان عمل را برای فرزندانش باز گذاشته است و این دستاورد با تحقیق ماهرو زاده (۱۳۸۹) در دادن فرصت به خطاکار برای اصلاح رفتار خود و احترام بین اعضای خانواده هماهنگ است.

از نکات مهم دیگری که در این پژوهش به آن اشاره شده است، حفظ حرمت اعضای خانواده و روابط حاکی از احترام و هواداری در خانواده یعقوب (ع) است. بعد از ربودن یوسف (ع)، هیچ نافرمانی دیگری از فرزندان او دیده نشده است و همدلی آنان تحت فرمان پدر در آیات سوره واضح است و این در راستای سخن نورسوید (۱۴۱۹) در فرمانبرداری پسران یعقوب (ع) برای غلبه بر بحران‌ها و یافتن یوسف (ع) است. پس می‌توان گفت در بین اعضای خانواده، زبانی تلویحی و روابطی حاکی از معنویت و تکریم (فرهادیان، ۱۴۰۱) وجود دارد که با هدایت یعقوب (ع)، خود، روشی متعالی در اصلاح رفتار و هدایت به درستکاری است و این دستاوردی است که در تحقیق شومن (۱۹۸۰) نیز به آن اشاره شده است.

دستاوردهای دیگر تحقیق نشان می‌دهد که یافته‌های تفسیری و بیان نظرات مفسران صاحب‌نام از تشیع و تسنن حاکی از نوعی اتفاق نظر است. شاید مهمترین دلیل آن باشد که در این پژوهش فقط آیاتی مورد شرح و تفسیر قرار گرفته‌اند که حامل پیام‌های روشن در باب شیوه‌های تأدیبی بوده‌اند. این

آیات نسبت به کل سوره محدود بوده و اختلاف نظر مفسران عظام در معانی بیان و فهم محتوا ناچیز است. در عین حال تحقیق حاضر با رعایت امانتداری دیدگاه‌های تفسیری را بیان نموده و مقایسه محتوای تفسیری را در اصل متن گنجانده است.



## منابع

- قرآن کریم.
- سید رضی، ابوالحسن محمد ابن الحسین؛ نهج البلاغه؛ ترجمه منصور پهلوان؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۴۰۰ ش.
- کتاب مقدس؛ ترجمه هزاره نو؛ نشر ایلام؛ ۲۰۱۴ م.
- آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ قم؛ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۶۶ ش.
- البلعکی، روحی؛ المورد؛ قاموس عربی-انگلیزی؛ بیروت؛ دار العلم للملایین؛ ۱۹۹۷ م.
- الرشید رضا، محمد؛ تفسیر المنار؛ قاهره؛ الهیئه المصریه العامه للکتاب؛ ۱۹۹۰ م.
- البطل، عبد السمیع؛ السید رشید رضا و سوره یوسف؛ نشریه منبر الاسلام؛ شماره ۸؛ ۱۳۸۹ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ محقق: علی شیری؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۰۸ ق.
- ازهای، محمدعلی؛ مبانی منطق؛ تهران؛ انتشارات سمت؛ ۱۳۸۱ ش.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه؛ رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ ۱۳۹۲ ش.
- باقری، فریبرز؛ کیایی، زهرا؛ آذربایجانی، مسعود؛ تعیین اهداف تغییر رفتار و روان انسان در سخنان امام علی (ع): پژوهشی با روش تحلیل محتوا؛ مطالعات اسلام و روانشناسی؛ ۱۳۹۲ ش، دوره ۷، شماره ۱۳، ۹۶-۱۱۸.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد؛ الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن؛ محقق: اوسنه، عبد الفتاح؛ بیروت؛ دار الاحیاء التراث العربی؛ ۱۴۱۸ ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ قم؛ انتشارات اسراء؛ ۱۳۷۸ ش.
- جوهری، ابونصر اسماعیل ابن حماد؛ صحاح تاج الغه و صحاح العربیه؛ بیروت؛ دارالعلم للملایین؛ ۱۴۰۷ ق.
- خوانساری، محمد؛ منطق صوری؛ تهران؛ مؤسسه انتشارات آگاه؛ ۱۳۶۱ ش.
- دیلمی، محمد ابن حسن؛ ارشاد القلوب؛ قم؛ انتشارات رضی؛ ۱۴۱۲ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دارالقلم؛ ۱۴۱۲ ق.
- زیبیدی، مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ مصحح علی شیری؛ بیروت؛ نشر دارالفکر؛ ۱۴۱۴ ق.
- زمخشری، محمود ابن عمر؛ الکشاف عن حقائق غواض التنزیل و عیون الاقاولیل فی وجوه التأویل؛ به تحقیق مصطفی حسین احمد؛ چاپ سوم؛ بیروت؛ دارالکتب العربی؛ ۱۴۰۷ ق.

شیخ طوسی، محمد ابن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت؛ دار الاحیاء التراث العربی؛ ۱۴۰۹ق.

علیمرادی، زهرا؛ هاشم‌نژاد، حسین؛ گل محمدی، جعفر؛ مهکام، رضا؛ راهکارهای تربیتی سوره یوسف براساس مفهوم روان‌شناختی «سازوکار دفاع روانی»؛ دو فصلنامه علمی-پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۸۰-۲۰۳؛ ۱۳۹۹ش.

غزالی، محمد ابن محمد؛ تفسیر سوره یوسف؛ الکاتب: محمد صالح ابن خضر؛ التصنيفات: المخطوطات و الكتب النادره (غير مصنف)؛ تهران؛ مکتبه المجلس الشورای الاسلامی؛ ۱۳۱۲ق.  
فراهیدی، خلیل ابن احمد؛ کتاب العین؛ محقق: مهدی مخزومی؛ قم؛ مؤسسه دارالهجره؛ ۱۴۰۹ق.

فرهادیان، فاطمه؛ واکاوی روش‌های تربیتی بر مبنای سوره یوسف (تحقیق کیفی)؛ فصلنامه علمی تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، سال ۲، شماره ۲، صص ۵۳-۷۸؛ ۱۴۰۱ش.

فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب؛ القاموس المحيط؛ مصحح: محمد نعیم العرقسوسی؛ چاپ هشتم؛ بیروت؛ المؤسسة الرساله للطباعه، والنشر و التوزيع؛ ۱۴۲۶ق.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی؛ تهران؛ انتشارات الصدر؛ ۱۴۱۵ق.

قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ دار الكتب الاسلامیه؛ ۱۳۷۱ش.  
طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی؛ تهران؛ کانون انتشارات محمدی؛ ۱۳۶۴ش.

طبرانی، سلیمان بن احمد؛ تفسیر القرآن العظیم؛ محقق: هشام البدرانی؛ اردن-اردن؛ دارالکتب الثقافی؛ ۲۰۰۸م.

طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ هاشم رسولی محلاتی؛ تهران؛ انتشارات فراهانی؛ ۱۳۶۷ش.

طبری، محمد ابن جریر؛ تفسیر الطبری، جامع البیان فی التفسیر القرآن؛ مصحح: شاکر، محمود محمد؛ قاهره؛ نشر دارالمعارف؛ ۱۹۶۹م.

طیب، سید عبدالحسین؛ اظیاب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران؛ کتابفروشی اسلام؛ ۱۳۸۶ش.  
ماهره زاده، طاهره؛ پیام‌ها و آموزه‌های تربیتی سوره یوسف؛ فصلنامه مطالعات زنان و خانواده، صص ۱۷۸-۲۰۹؛ ۱۳۸۹ش.

مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت؛ مؤسسه الوفاء؛ ۱۴۰۳ق.

معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۷۶ش.

مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۸۰ش.

مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۷۶ش.

نجار شوشتری، علی ابن علی؛ تفسیر سوره یوسف (ع)؛ تهران؛ نشر صدوق؛ ۱۳۷۳ ش.  
 نقیب زاده، عبدالحسین؛ نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش؛ تهران؛ انتشارات طهوری؛ ۱۳۷۴ ش.  
 نور سوید، محمد؛ دراسات قرآنیه: التریبه الاسریه العملیه من خلال سوره یوسف (ع)؛ نشریه  
 الوعی الاسلامی؛ شماره ۳۹۴؛ صص ۴۰-۴۳. ۱۴۱۹ ق.  
 نوری الطبرسی، حسین ابن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل؛ بیروت؛ مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء  
 التراث؛ ۱۴۱۲ ق.

Audi, A. *Cmmrrigge Dittirrrr ff hhilohhhly*. UK: Cambridge University Press. 1995.

Claire C. St. Peter and Tonya M. Marsteller (2017). A “Healthy-Contingencies” Behavioral Intervention. *ooooadff ee iiiii olll uuutt i* 26 (3), pp 250-26. 2017.

Philips. D.C (ed). *yyyy ll oiiii of uuutt iaaal oooyy hhilohhhly*. U.S.A. Stanford University. 2014.

Hilgard, E.R, Atkinson. R. c. & Atkinson. R. I. *Intruutt i t yyyooolyyy*. U.S.A: Harcourt Brace Jovanovich, INC. 1999.

Reese, W(1996), Dictionary of Philosophy and Religion, U.S.A, Humanities Prees.

Ryle. G. *.hccccccc of Mi...* U.S.A, Penguin Books. 1949.

Schoeman, F. (1980). Rights of Parents, and the Moral Basis of the Family *iiii ss*, 91(1), pp 6-19. 1980.

Strool, A. *Twnntieth-Cttt uyy yyyyyyi hhilhhhhh* New York: Colombia University Press. 2000.

Wittgenstein, L. *iii looiii ll Ieeettiaatinn* Oxford: Blackwell. 1953.

Glock. H. J. *Wttt i alll ti iii loooyy* ?London: Cambridge University Press. 2008.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی